

واکنش علمای حوزه علمیّه قم به مسئله تغییر خط فارسی در سده اخیر

کاظم استادی

(دانشآموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه قرآن و حدیث)

kazemostadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸)

چکیده

مسئله تغییر خط یا اصلاح الفبا در کشورهای مختلفی رخ داده است. در ایران نیز از حدود دویست سال قبل تاکنون، مسئله تغییر خط فارسی در برخی نوشت‌های و مخالف علمی، مورد گفتگو واقع شده است؛ اما به دلایل فرهنگی و مذهبی، مناقشاتی پیرامون طرح و اجرای آن به وجود آمده است. جدای از مخالفان فرهنگی تغییر خط، برخی از علمای شیعی، به دلایل مذهبی و امکان گستاخی یا خدشه به متون اسلامی، واکنش منفی به این مسئله نشان داده‌اند. حتی برخی از ایشان، آن را توطئه دشمنان اسلام قلمداد کرده‌اند. توجه به واکنش علمای حوزه علمیّه قم، به عنوان مهم‌ترین خاستگاه مذهب تشیع در قرن گذشته، می‌تواند نمایی از نگرش‌های اندیشمندان دینی را به این مسئله نشان دهد. در پژوهش حاضر، ضمن ارائه تاریخچه اجمالی مسئله اصلاح الفبا و تغییر خط، واکنش‌های علمای ایران و حوزه علمیّه قم در برخی از بعد این مسئله، احصاء و مورد توجه قرار گرفته و برخی از فتاوی مراجع تقلید در این باره ذکر شده است. در نتیجه می‌توان گفت: علمای اسلامی، تازمانی که اصلاح الفبا و تغییر خط، به معارف اسلامی و ترویج مذهب اسلام، خدشه‌ای وارد نکند، نسبت به این تغییرات و اصلاحات، نظر مخالفی ندارند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ حوزه علمیّه قم، آخوندزاده، استفتانات تغییر خط، خط فارسی.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتابسیس حوزه علمیه قم، دستاوردها و تکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی علیه السلام تألیف شده است.»

مقدمه

خط، دبیره، زبان‌نگاره یا نظام و سامانه نوشتاری، اختراع و وسیله‌ای برای ثبت آثار، حفظ افکار و نیز نوشنوندگان جهت انتقال اندیشه‌ها و اخبار است. خط فارسی یا دبیره‌فارسی - که اکنون از آن برای نوشنوندگان زبان فارسی استفاده می‌کنیم - خطی «فارسی شده» از خط عربی است که پس از ورود اسلام به ایران، برای نگاشتن زبان فارسی از آن استفاده شده است.

با ورود اعراب مسلمان به ایران، در زمانی نسبتاً کوتاه، خط پهلوی - که در آن زمان، خط نوشتاری اکثر مناطق ایران بود -، از کاربرد عمومی ساقط شد و حتی تا چند قرن، خط یا زبان نوشتاری مردم ایران، زبان و خط عربی گشت و مردم ایران به زبان فارسی چیزی نمی‌نوشتند، مگر در گوش و کنار، آن هم غیر قابل توجه. در واقع و به طور رسمی و همه‌گیر، از اواسط قرن ششم زبان فارسی در نوشتارها نمایان شد و پیش از آن، فارسی‌نویسی کلاً رایج نبوده است و همه نوشتارها به زبان عربی نگارش می‌شده است. البته خطوط فارسی قبل از این و برخی نوشتارها همانند شاهنامه فردوسی یا برخی کتاب‌های نادر قبل از آن، به صورت استثنایی به زبان فارسی نگاشته شده‌اند و فارسی‌نویسی، در ایران عمومیت نداشته است (ر.ک: تویسرکانی، ۱۳۵۰ ش: ب ۱؛ استادی، ت ۱۳۹۴ ش: ۱۰).

بنابراین، رسم الخط فارسی حدوداً در قرن پنجم، تازه مراحل ابتدائی خود را سیر می‌کند. هر یک از کاتبان به سلیقه خود برای نشان دادن برخی از حروف یا نشانه‌های فارسی، علامتی را برگزیده و در نوشنوندگان به کار برده‌اند. البته درست است که در بعضی از موارد بین کاتبان، وحدت عمل نیز به چشم می‌خورد، ولی در بسیاری از موارد چنین نیست و هر کس به سلیقه خود به راهی رفته است. این وضعیت از مختصات یک رسم الخط ابتدائی است؛ یعنی دوره‌ای که هنوز رسم الخط زبانی، شکل واحدی به خود نگرفته است (ر.ک: متینی، ۱۳۷۱ ش: ۱۵ - ۴۵).

در این میان و در طول زمان تاکنون، برخی از اندیشمندان و ادبیان به معایب و مشکلات خط فارسی نیز پرداخته‌اند. عیوب و اشکالاتی که «طرفداران تغییر الفباء» برای خط فارسی می‌شمارند، فراوان است؛ اما مهم‌ترین آنها از این قرارند:

۱. الفبای فارسی حروفی صدادار ندارد و حرکات – که نماینده حروف با صدا هستند –، به صورت حرف‌معینی در جزء کلمه نمی‌آیند.

۲. هر حرف، شکل جداگانه مشخص و مستقلی ندارد و از ۳۲ حرف الفبای فارسی، تنها ۱۶ حرف آن دارای شکل مخصوص است.

۳. حروف الفبا غالباً مشابه‌اند و با اندک غفلتی، به جای هم نوشته می‌شوند و مطلب متن را به‌کلی دگرگون می‌سازند.

۴. بعضی از حروف فارسی، خوانده می‌شوند، ولی نوشته نمی‌شوند.

۵. بعضی دیگر از حروف، نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند.

۶. پاره‌ای از حروف، به صورتی جز آنچه نوشته می‌شوند، تلفظ می‌شوند.

۷. بعضی از حروف برای بیان چند تلفظ جداگانه به کار می‌روند.

۸. حروف در کتابت کلمات، به هم متصل می‌شوند و بر حسب آن که در اول، وسط یا آخر کلمه قرار گیرند، صورت اصلی خود را از دست می‌دهند و به اشکال گوناگون (تا حدود ۱۲۸ شکل)، نمایان می‌شوند.

۹. برای ادای بعضی صداها که در زبان فارسی، همه یکسان تلفظ می‌شوند، چندین حرف مقرر شده است.

۱۰. نوشتن از چپ به راست، آسان‌تر است (ر.ک: آرین‌پور، ۱۳۸۷ ش: ۳۴؛ استادی، چ ۱۳۹۴ ش: سراسرمن).

البته لازم است توجه کنیم که به کارگیری واژه «عیب» یا «نقص» یا تعابیر مشابه، برای خط فارسی یا دیگر خطوط، از جهتی اساساً بی‌معنا و نادرست است. یعنی هر خطی به نسبت یک معیار خاص و در شرایط زمانی و مکانی خاص، می‌تواند یک خط مناسب باشد و در شرایطی دیگر، همان خط، خطی نامناسب و بد پنداشته شود.

بنابراین، خوبی و بدی، راحتی و سختی، نقص و بی‌نقصی برای خط، امری نسبی است که به شرایط کاربردی مختلف، دارای حالات گوناگونی خواهد بود. مثلاً «متصل‌نویسی» یا «جدانویسی» در شرایطی، حسن و پُرفایده هستند و در شرایطی دیگر، عیب و نامناسب محسوب می‌شوند. برای نمونه، خط جدانویس لاتین را نمی‌توان «تندنویسی» نمود؛ به همین منظور، ده‌ها «سیستم تندنویسی» برای خط لاتین ابداع شده است تا این مشکل خط لاتین را مرتفع نماید.

در هر صورت، وجود مشکلات خط فارسی در دوره‌های مختلف، باعث ظهور مباحثی درباره تغییر خط فارسی در ایران شده است که این مسئله، موافقان و مخالفانی دارد.

طرح مسئله

مسئله تغییر خط در کشورهای مختلفی رخ داده است. در ایران نیز از حدود دویست سال قبل تاکنون این مسئله در برخی نوشتته‌ها و محافل علمی، مورد گفتگو واقع شده است؛ اما به دلایل فرهنگی و مذهبی، مناقشاتی پیرامون طرح و اجرای مسئله تغییر خط فارسی در ایران به وجود آمده است.

جدای از مخالفان فرهنگی تغییر خط، برخی از علمای شیعی به دلایل مذهبی و امکان گسست دینی یا خدشه به متون اسلامی، به این مسئله واکنش منفی نشان داده‌اند و حتی برخی از ایشان، طرح مسئله تغییر خط فارسی را توطئه دشمنان اسلام قلمداد کرده‌اند.

توجه به واکنش علمای حوزه علمیه قم، به عنوان مهم‌ترین خاستگاه مذهبی تشیع در قرن گذشته، می‌تواند نمایی از نگرش‌های اندیشمندان دینی را به این مسئله نشان دهد. بنابراین، مناسب است در پژوهشی، این واکنش‌ها احصاء و مورد توجه قرار گیرند تا بتواند هم جنبه تاریخی و هم جنبه فقهی مسئله را برای اظهار نظر، پیش روی محققان قرار دهد.

پیشینه

درباره خط فارسی، بیش از دو هزار مقاله، رساله و کتاب نوشته شده است (استادی، ج ۱۳۹۴ ش: سراسرمند)؛ از سوی دیگر، پیرامون اصلاح و تغییر خط فارسی نیز کتاب‌ها و مقالات متعددی نگارش یافته‌اند که کتاب‌شناسی این آثار در دسترس است (ر.ک: استادی، ث ۱۳۹۴ ش: ۳۵۹). برخی از این آثار عبارت اند از:

۱. آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۷ ش)، از نیما تا روزگار ما، تهران: زوار.
 ۲. ذکاء، یحیی (۱۳۲۹ ش)، در پیرامون تغییر خط فارسی، تهران: چاپخانه نقش جهان.
- اما در این میان و به صورت مستقل، نوشته‌ای که به طرح واکنش علمای حوزه علمیه قم به مسئله تغییر خط فارسی در قرن معاصر پرداخته باشد، یافت نشد؛ بنابراین مقاله حاضر، اولین اثر در این زمینه است.

۱. تاریخچه طرح تغییر خط در ایران

خط با دلایل گوناگونی، همانند: تغییر حکومت، تغییر ابزار نگارش، ورود تکنولوژی، معایب خط، نفوذ فرهنگ جدید و تغییر زبان علم و دلایلی از این دست، تغییر می‌کند؛ به طوری که این دلایل، هر کدام به تنهایی یا با هم، می‌توانند علت تغییر خط در کشوری یا منطقه‌ای شوند.

بنابراین اگر موضوع تغییر خط، فارغ از تغییر حکومت‌ها در نظر گرفته شود، نمی‌تواند زمان دقیق و روشنی به همراه داشته باشد؛ چرا که عوامل ایجاد کننده آن، اتفاقات لحظه‌ای نیستند. یعنی ابداع خط و کاربرد آن، از جمله اختراتات تدریجی هستند که به مرور زمان، تکمیل یا تغییر پیدا می‌کنند (برای نمون، ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۱۹).

تغییر خط در ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و موضوع تغییر خط در ایران، دارای تاریخچه‌ای طولانی است که در این مجال، نمی‌توانیم به همه آن پیردازیم؛ بنابراین، تنها به دوره معاصر، نیم‌نگاهی خواهیم داشت.

۱ - ۱. زمینه‌های پیدایش تفکر تغییر خط در قرون اخیر

عوامل مختلفی را می‌توان به عنوان زمینه‌های ایجاد تفکر تغییر خط در قرن‌های اخیر ایران مطرح کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱. ورود صنعت چاپ به ایران؛ ۲. تغییر اوضاع اجتماعی در ایران و شکست‌های ایران از روسیه؛ ۳. اصلاحات در ایران. جدای از این‌ها، شاید مهم‌ترین زمینه طرح اندیشه تغییر خط، تأثیر عثمانی و ایرانیان عثمانی بر ایران باشد؛ زیرا در نخستین دهه‌های سده سیزدهم، دو مرکز اصلی اصلاحات به سبک غربی، یکی در عثمانی و دیگری در مصر به وجود آمد که در هر دو، انتشار ترجمه کتاب‌های غربی در اولویت بودند (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۱۴۸).

در همین دوران، با بی‌توجهی ناصرالدین شاه به اصلاحات و رکود کشور، باعث شده بود که عده‌های قابل توجهی از نویسندهای از ایران، به اروپا و قلمرو عثمانی مهاجرت کنند و این امر، باعث به وجود آمدن «قانون روزنامه‌نگاران تبعیدی ایران در اروپا و آسیا» شد. استانبول نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین منازل تجدّد ایران در امتداد حرکت تجدّد غرب، واسطه ارتباط ایران با دنیای غرب بود و مرکز فرهنگی و سیاسی مهمی برای ایرانیان شد (ر.ک: عابدی، ۱۳۷۷ ش: ۱۲۴).

۱ - ۲. شروع زمزمه تغییر خط

افراد متعددی به صورت اشاره و موردی، به مسئله تغییر خط در دو قرن اخیر پرداخته‌اند؛ ولی برخی از آنان در این راه، هزینه و وقت قابل توجّهی صرف نموده‌اند.

۱ - ۲ - ۱. مهم‌ترین آغازکنندگان مسئله تغییر خط

سه تن از ایرانیان، تقریباً بیشترین اهتمام را ابتدائاً نسبت به مسئله تغییر خط داشته‌اند که عبارت‌اند از: آخوندزاده، ملکم‌خان و مستشارالدوله.

آخوندزاده – که به زبان‌های شرقی و فرهنگ جهان آشنایی داشت –، معتقد بود که الفبای مرسوم و متدالوی عربی، نقايس و معایبی دارد و در صدد برآمد که الفبای عربی را اصلاح و آن را برای احتیاجات مردم ترک‌زبان و فارسی‌زبان، مناسب سازد (استادی، الف ۱۳۹۴ش: ۷۷). وی در سال ۱۲۳۶ شمسی از تنظیم نخستین الفبای اختراعی خود – که یک الفبای بدون نقطه با حروف متصل بود –، فراغت یافت و رساله‌ای نیز برای پیشنهاد کردن این الفبا به جای الفبای عربی فراهم آورد (برای اطلاع بیشتر از نمونه خط‌های اختراعی وی، ر.ک: همان: ۵۵). او پس از اطلاع از این که کسانی در عثمانی موافق تغییر خط هستند، علاقه‌مند شد تا از طریق دولت عثمانی، پیگیر طرح خط اختراعی و ابداعی خود شود (ر.ک: بی‌نام، ۱۲۷۸ق: سراسرمن).

ملکم‌خان نیز همان‌گونه که خود در مقدمه چاپ کتاب گلستان خود اشاره کرده، بیست و پنج سال در این راه رحمت کشیده است. وی برای پیشرفت اندیشه‌های خود درباره الفبا، کتابچه‌های متعددی همانند گفتگوی شیخ و وزیر در استانبول نوشته و بعدها نیز با الفبای اختراعی و تازه‌ای که خود پدید آورده بود، چند کتاب، از جمله گلستان سعدی، اقوال علی، نمونه خطوط آدمیت و ضروب امثال را در سال ۱۳۰۳ق، در لندن چاپ و منتشر کرد و سال‌ها برای پیشرفت این آرزو و آرمان خود کوشید (استادی، ح ۱۳۹۴ش: ۱۵۳؛ ذکاء، ۱۳۲۹ش: ۴۸).

ملکم‌خان، تغییر الفبای فارسی و گرفتن الفبای اروپایی را پیشنهاد نمی‌کرد؛ بلکه از ترکیب حروف الفبای فارسی، خط دیگری ساخته بود که به نظرش ساده‌تر و مفیدتر می‌نمود (استادی، ۱۳۹۱ش: سراسرمن، خصوصاً تصاویر مقاله).

پس از آن دو، همیار مهم آخوندزاده و ملکم‌خان، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی است که کارپرداز حاجی ترخان و فرستاده ایران در پاریس بود. او از پیروان جدی تغییر خط بود که

زحمات فراوانی نیز در این راه متحمل شد.

وی در سال ۱۲۹۷ - که در مشهد بود -، برای این که مخالفان سرسخت الفبای جدید، موضوع دین را دستاویز ناسازگاری خود نکنند، مسئله تغییر خط و الفبا را از مجتهدان مشهد «استفتا» نمود و برخی از نظریات ایشان را در نشریات منتشر کرد (استادی، ۱۳۹۱ ش: ۳۰). مستشارالدوله نیز به سال ۱۳۰۳ کتابی با عنوان رساله در وجوب اصلاح خط اسلام چاپ کرد و در آن، از نوشتنهای منیف پاشا (وزیر فرهنگ دولت عثمانی) و مسیو میسمر فرانسوی، سود جست. در پایان کتابچه نیز الفبایی که به نام «خط اختراعی شخص عزیزی از دوستان» می‌خواند، درج نمود (ذکاء، ۱۳۲۹ ش: ۵).



۱ - ۲. رواج موضوع تغییر خط

به جز این سه تن که ذکر شد و وقت زیاد و تلاش بسیاری در راه اصلاح خط نمودند، افراد دیگری نیز در آن دوران، پیگیر مسئله تغییر خط بودند که بیشترشان در خارج از ایران به سر می‌بردند؛ برخی از آنها عبارت‌اند از: پرنس میرزا رضاخان ارفع‌الدوله؛ رضاخان افشاریکشلو؛ میرزا حسین خان؛ ادیب‌الممالک فراهانی؛ میرزا نجفقلی خان؛ میرزا کاظم‌خان آلان‌براغوشی؛ میرزا علی‌محمد خان اویسی و... .

در این میان، برخی از علاقهمندان به مسئله اصلاح خط و الفبا، از روحانیان بودند که برای نمونه به سه تن از آنها اشاره می‌کنیم:

یک. میرزا لطفعلی مجتهد دانش تبریزی

همان‌گونه که در شرح حال وی در کتاب قصيدة انصافیه - که از تأییفات وی است -، آمده: او کتابی‌های پیرامون خط - الفبا دارد که از آن جمله است: راموز الرموز [کتابی در اقسام رموز و خطوط مرمر] و رساله در آداب و کیفیت خط عربی. وی در تاریخ ۱۳۰۲ ق، در شماره‌های ۲۱ و ۲۲ روزنامه اختر چاپ استانبول، دو گفتار درباره تغییر و اصلاح الفبا نوشته است.

دو. عبدالعلی موبد بیدگلی کاشانی

در کتاب مؤلفین کتب چاپی خانبا با مُشار (ج ۳، ص ۸۸۰) در شرح حال شیخ عبدالعلی بیدگلی کاشانی، آمده است که: «در این ایام از تأییفات خود به اداره فرستاده... از الفبای اختراعی خود

که برای فراگرفتن اطفال دبستان، اسهول قواعد هجاییه است با کلیات تاریخی و حساب و جغرافیا، به قدر ضرورت در این گنجینه ضبط است...» (ر.ک: روزنامه ادب، ۱۳۲۰ق، شماره ۳۷؛ روزنامه تربیت، ۱۳۲۰ق، شماره ۲۵۸).

سه. ادیب الممالک فراهانی

وی در ضمیمه فارسی روزنامه ترکی ارشاد - که در سال ۱۳۲۳ق، در شهر باکو، به خامه خود او و به راهبری احمدیک آقاییوف قراباغی منتشر می شد -، بیش از سیزده شماره از آن مجله بیرون نیامده، درباره الفبا و تغییر آن، گفتارهایی نوشته است (ر.ک: ذکاء، ۱۳۲۹ش: مدخل فراهانی).

۱ - ۳. تغییر خط عربی در برخی کشورها

در همین دوران که مسئله اصلاح و تغییر خط در میان برخی از ایرانیان خارج نشین، مورد مباحثه و مقاله نویسی بود، در چند کشور همسایه و نزدیک ایران، خط رسمی آنها تغییر یافت.

۱ - ۳ - ۱. تغییر خط در منطقه قفقاز

حکومت آذربایجان شوروی در ۲۰ اکتبر ۱۹۲۳م، کمیته اجرائیه مرکزی، الفبای جدید ترکی را به رسمیت شناخت و دستور داد که تمام نامه ها و سندها، علاوه بر الفبای قدیم با خط جدید نیز تهییه شوند (ر.ک: روزنامه کارگر «باکینسکی رابوچی»، شماره ۲۱، ۱۶۱، ژوئیه ۱۹۲۲ش؛ ش ۲۴۰، ۲۶ ژوئن ۱۹۲۳ش؛ ش ۲۴۶، ۳۱ اکتبر ۱۹۲۳) و در سال تحصیلی ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵، تدریس الفبای جدید در آموزشگاه های عمومی و سال بعد، در مدارس حرفه ای و عالی به رسمیت شناخته شد و جزو برنامه وزارت فرهنگ آن جا قرار گرفت.

برخی دیگر از جمهوری های ترک و تاتار و ایالات خودمختار شوروی نیز، از این رویه پیروی کردند؛ هرچند که برخی مناطق منطقه قفقاز، به علل و موجبات سیاسی، رسم الخط دیگری - که حروف آن از میان الفبای روسی (یونانی) انتخاب شده بود -، استفاده کردند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آرین پور، ۱۳۸۷ش: ۳/ بخش تغییر خط فارسی).

۱ - ۳ - ۲. تغییر خط در ترکیه

پس از پایان جنگ و استقلال و اعلان جمهوری ترکیه، مسئله الفبا بار دیگر در این کشور بر سر زبان ها افتاد و کم کم فکر اصلاح خط در میان روشن فکران ترکیه رسوخ یافت و از اعضای دولت

طوفدارانی پیدا کرد (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۱۲۰).

در ژانویه ۱۹۲۸، وزیران فرهنگ و دادگستری به وسیله جراید به اطلاع مردم رساندند که به زودی استفاده از الفبای لاتین در سراسر کشور اجرا خواهد شد. وزارت کشور نیز در آغاز ماه می، با صدور بخشنامه‌ای، دستور داد که نام شهرها با حروف لاتینی نوشته شود و در نیمه‌های آن ماه، در بعضی از شهرها، کلاس‌های خصوصی، جهت آموختن ارقام اروپایی و بعد الفبای لاتینی، تشکیل یافت.

در همان زمان و با تصویب «قانون قبول و اجرای حروف ترک» توسط مجلس کیفر ترکیه، انجمن الفبا، طرح نهایی را تنظیم و پیشنهاد کرد که خط جدید در عرض هفت سال به تدریج در مدارس ترکیه تدریس شود؛ ولی برای اجرای عمومی آن در سراسر کشور، مدت بالنسبة طولانی لازم است (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آرین پور، ۱۳۸۷ ش: ۳/ بخش تغییر خط فارسی).

۱ - ۴. ورود بحث «تغییر خط» به ایران

از حدود سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ یعنی طی سی سال و همزمان با رواج ماشین تحریر، طبقه دوم طوفداران تغییر و اصلاح خط - که بیشتر آنها متأثر از علاقه‌مندان یا شاگردان تلاشگران دوره اول بودند -، شروع به فعالیت کردند.

پس از جنگ جهانی اول، باز کسانی در ایران به کوشش برخاستند و رساله‌هایی نوشتند و اولین آنها، مقالاتی بود در سال ۱۳۰۴ ش که توسط حسین کاظم‌زاده ایرانشهر به نام «الفبا به ترتیب راه نو» و «لزوم اصلاح خط و زبان» از ابوالقاسم اعتمادی انتشار شد. فعالان اصلاح خط در این زمان نیز، تحصیل کرده‌ها یا ساکنان کشورهای اروپایی بودند که تقریباً سی تن را شامل می‌شوند؛ افرادی همانند: اعتمادی زاده، رشید یاسمی، علی دشتی، عبدالصمد فرهنگ، نورحقیق صدرالمعالی، مصطفی فاتح،

همزمان با جریانات نهایی تغییر خط در آذربایجان، ترکیه و جمهوری‌های قفقاز و برخی نقاط دیگر، در ایران نیز مقالاتی پیرامون تغییر خط به چاپ رسید (استادی، ث ۱۳۹۴ ش: ۳۵۹) که برخی از فعالان در این زمینه، یا روحانی بودند یا سابقه روحانیت داشته‌اند؛ کسانی چون: علی دشتی و سید حسن تقی‌زاده (همان، ۱۳۴ و ۱۳۸؛ همچنین ر.ک: ش ۶ س ۴ ماهنامه یادگار).

۱ - ۵. فراز و فرود مباحث تغییر خط

در همین دوران، موضوع تغییر خط در ایران داغ شد و نویسندهای بیشتری به این موضوع پرداختند (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۲۴۸) که از آن میان، میرزا علی اصغر خان طالقانی، سعید نفیسی، رشید یاسمی، سید حسن تقی‌زاده، مصطفی فاتح، ذبیح بهروز، جبریل اعلائی، موسی نتری، حسین رضاعی و میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای را می‌توان نام برد. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۸ می‌توان به عنوان داغ‌ترین سال بحث تغییر خط در ایران یاد کرد که بیش از بیست مقاله در این باره منتشر شده است (استادی، ۱۳۹۱ ش: سراسرمن).

۱ - ۵ - ۱. اوج مباحث تغییر خط در ایران

سال ۱۳۳۸ شمسی، سال دعوای تغییر خط، بین موافقان و مخالفان است که به انتشار حداقل هشتاد نوشه درباره مشکلات خط فارسی انجامید. در این سال، انجمنی به نام «انجمن اصلاح خط» از جمعی از دانشمندان به ریاست سعید نفیسی در تهران تشکیل یافت و الفبایی پیشنهاد کرد و در جراید و رادیو، توضیحاتی درباره نقص الفبای کنونی فارسی و لزوم تغییر آن ارایه شد.

۱ - ۵ - ۲. توقف و تقلای دوباره برای تغییر خط

در همین سال، به دنبال جنجالی که بر سر موضوع تغییر خط در ایران برپا شد، نقل قول‌هایی از مخالفت آیة الله العظمی بروجردی شنیده شد (ر.ک: فلسفی، ۱۳۷۶ ش: بخش اسناد) که احتمالاً به همین دلیل و پس از این تاریخ، دوباره موضوع تغییر خط رو به افول رفت و از حرارت ش کاسته شد؛ ولی با این حال، مقالات و کتاب‌هایی در این موضوع منتشر می‌شد.

در سال ۱۳۴۳ ش نیز، انجمنی به نام «انجمن ترویج زبان فارسی» در تهران دایر شد و مجله‌ای به نام بنیاد فرهنگ انتشار داد و الفبایی به نام «الفبای فارسی به خط جهانی» پیشنهاد کرد و از خوانندگان خود خواست تا هرگونه نظری درباره این الفبا دارند به انجمن بنویسند. پس از آن نیز تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مقالاتی در نشریات، درباره اصلاح و تغییر خط منتشر شد (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۲۷۴).

۱ - ۵ - ۳. افول بحث تغییر خط همراه انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب، به دلیل گسترش موضوعات اسلامی و وجهه دینی حکومت ایران و

گرایش‌های مذهبی مقامات دولتی، موضوع تغییر خط به کلی از تب و تاب افتاد؛ هر چند که با رخوتی چندساله، دوباره امّا بی‌رمق، حرکتی تازه شکل گرفت؛ البته توّجه به خط، نگاهی دیگر یافت و از مسئله تغییر خط، به اصلاح خط، کشیده شد. به این معنا که اندیشمندان و نویسندهان، به ارائه نظریات درباره «اصلاح رسم الخط فارسی» یا «یکسان‌سازی رسم الخط» پرداختند (ر.ک: استادی، ج ۱۳۹۴ ش: ۲۶۷ – ۲۸۷).

در این دوران، موضوع تغییر خط به صورت رسمی، چنان به فراموشی سپرده شد که حتی وقتی در سال ۱۳۸۴ ش، کتاب‌شناسی‌ای پیرامون خط فارسی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد، کلیه کتاب‌ها و مقالاتی که به موضوع تغییر خط پرداخته بودند، در آن کتاب حذف شدند.

در سه دهه اخیر نیز به ندرت چیزی به نفع تغییر خط نوشته شده است؛ اما آثاری پیرامون اصلاح یا مسئله تغییر خط یافت می‌شود که نویسندهان آنها عبارت‌اند از: محمود رضائیان، مسعود خیام، پیام یزدانجو، فریدون مجلسی، حسن بهزادیان‌نژاد، محمد رضا باطنی، ابوالحسن نجفی، مصطفی عاصی، علی محمد حق‌شناس، کورش صفوی (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۲۸۷).

۲. سیر تاریخی واکنش علمای ایران به مسئله تغییر خط

واکنش علماء و اندیشمندان دینی ایران نسبت به مسئله تغییر خط را می‌توان از جنبه‌های مختلفی در نظر گرفت؛ برای نمونه از جهت مخالف ابتداء به ساکن، یا طرح و تأیید تغییر و اصلاح خط و یا به صورت اعلام نظر پس از استفتانا درباره موضوع تغییر خط.

۲ - ۱. واکنش به صورت پاسخ استفتا

ظاهراً از اولین علمایی که درخصوص مسئله تغییر خط اظهار نظر کرده‌اند، می‌توان از کسانی نام برد که به استفتای مستشارالدوله در این باره پاسخ مثبت داده‌اند. اشاره شد که میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی، از پیروان جدی تغییر خط فارسی، در سال ۱۲۹۷ که در مشهد بوده است، برای این که دشمنان سرسخت الفبای نو، دین را دستاویز ناسازگاری خود نگردانند، مسئله «دیگر گردانیدن الفبا» را از مجتهدان مشهد استفتا نمود (ذکاء، ۱۳۲۹ ش: ۴۵).

وی می‌نویسد: این استفتا به عرض حضرات علمای اعلام و مجتهدان کرام در مشهد رضا – علی جده و آبائه و علیه السلام – که شرفیابی از حضور ایشان حاصل است، رسیده؛ هر کدام

شرحی مبسوط در جواز، بل رجحان این مطلب مرقوم و به خاتم شریف خودشان مختوم فرموده‌اند. از آن جمله جناب عالم نحریر و فاضل بی‌نظیر حاجی میرزا نصرالله مجتهد^۱ مشهد است و جناب مستطاب حاجی میرزا ابراهیم علوی مجتهد سبزواری^۲ و جناب سلاله الأطهار آقا میرزا احمد^۳ و فخر السادات و الافضل حاجی میرزا باقر حسینی^۴ و فخر دودمان مصطفوی آقا میرزا محمدحسین امام جمعه اصفهان^۵ و جناب مستطاب عالم کامل محمدخان مجتهد کرمان^۶ - اجل الله شأنهم - و بخصوص جناب آقای کرمانی در این مطلب به‌طور کافی و مفصل شرح و بسط داده، ملتفت بودن خودشان را از نکات کار واضح و دلائل رجحان این امر را آشکار فرموده‌اند؛ و فتوای جناب حاجی میرزا نصرالله که خلاصه فتاوی است عیناً درج می‌شود: «تعییر در خط کتب یا اختراع خط جدید، مطلقاً جائز است بلا اشکال، بلکه هرگاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و تصحیح قرائت بشود، راجح خواهد بود. اگر کسی توهّم کند که این تعییر تشته به اهل خارجه است و جائز نیست، این توهّم ضعیف است؛ چون که این گونه شبّهات حرام نیست و الاستعمال سماور باید جائز باشد». [جای امضا و مهر جناب مستطاب حاجی میرزا نصرالله است]

۱. حاج میرزا نصرالله مشهدی سه نفرنده: متوفای ۱۲۹۰ و ۱۲۹۸ و زنده در ۱۳۰۱ (اعلام الشیعه طهرانی). حاج میرزا نصرالله مشهدی تربتی (۱۲۹۸م)، مراتب فقه و حکمت را در خدمت حاج سید محمد حائری، حاج میرزا مسیح و ملا هادی سبزواری تکمیل کرد (چهل سال تاریخ ایران، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر کتاب المأثر و الآثار، ج ۱، ص ۲۱۰).

نامبرده در علوم تقلی و عقلی و نیز ادبیان عرب نامور بوده و مردم خراسان او را به عنوان مرجعیت فتاوا و احکام فقهی پذیرفته بودند. از آثارش کتاب طهارت، کتاب بیع و حواشی متفرقه بر کتاب قوانین و کتاب فضول و جواب سوالات فقهی را می‌توان برشمرد (تاریخ علمای خراسان). میرزا نصرالله مشهدی شیرازی (۱۲۹۰ق) شرح احوال وی در فردوس التواریخ و جلد دویم «مطلع الشمس» و «المأثر» به نظر رسیده، و از آن‌ها چنین برآید که: وی در در فنون مسموع و معقول و علوم فروع و اصول از استادی و فحول معدود بوده، و در تقوی مقامی سامی داشته، و اصلاً از شیراز و از آن‌جا به خراسان قدم گذاشته و در مشهد توطن نموده و در آستانه مقدسه تدریس می‌کرده، بلکه اول مدّرس آن عتبه علیه بوده، و در بسیاری از علوم تألیفات نیکو نموده. میرزا نصرالله از شیخ انصاری و فاضل دریندی اجازه داشته، و در زهد و ورع وی اخباری می‌گفته‌اند. (ر.ک: مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار).

۲. میرزا ابراهیم سبزواری، متوفای حدود ۱۳۱۶ (اعلام الشیعه) و از شاگردان شیخ انصاری و از مراجع بزرگ است.

۳. میرزا احمد، شناخته نشد.

۴. میرزا باقر، شناخته نشد.

۵. میرزا محمدحسین خاتون آبادی، امام جمعه اصفهان متوفای ۱۲۹۸. گفته شده عالم موجهی نبوده است (ر.ک: رجال و مشاهیر اصفهان).

۶. محمد خان کرمانی (م ۱۳۲۴) رئیس شیخیه آن زمان در کرمان بود.

(روزنامه س، سوم جمادی الآخر ۱۲۹۷ق، شماره ۲۲؛ استادی، ۱۳۹۱ش: ۳۰).

۲ - ۲. واکنش به صورت طرح یا تأیید

در بین فعالان اصلاح الفبا یا تغییر خط در طول دو قرن گذشته (ر.ک: استادی، ۱۳۹۱ش: سراسر متن)، به برخی از افراد بر می‌خوریم که یا روحانی هستند و یا حداقل سابقه روحانیت در شرح حال ایشان وجود دارد. اکنون به عنوان نمونه به دو تن از این روحانیون که در مسئله اصلاح خط فعالیتی داشته‌اند، می‌پردازیم:

۲ - ۲ - ۱. محمدعلی داعی‌الاسلام

سید محمدعلی داعی‌الاسلام که سابقه تحصیل علوم حوزوی در کارنامه خود دارد، نویسنده فرهنگ نظام است. وی هنگامی که در حیدرآباد هندوستان بوده، به سال ۱۳۱۲ خورشیدی، کتابچه‌ای به نام خط داعی نوشته و در پیش‌گفتار آن چنین می‌گوید:

«احقر سید محمدعلی (داعی‌الاسلام) که در چند سال قبل خطابه خط لاتین برای فارسی را نشر دادم و در آن رأی دادم که نباید خط امروز فارسی را تبدیل به خط لاتین کرد - بلکه همین خط را باید طوری اصلاح کرد که آموختن و چاپ کردنش آسان باشد و بتواند حامل علوم باشد - از آن وقت در طریق اصلاح آن فکر می‌کردم و آخر مصمم شدم در خطوط اصلیه قدیم یعنی عبرانی و لاتین و یونانی سنسکریت و کوفی تفحصاتی کرده، اصول علمی وضع و ترکیبات آنها را به دست آورم تا راهی برای اصلاح خط فارسی به دست آورم. تجربه می‌فرمایید که بعد از جستن اصول تشکیل آنها فهمیدم که خط ما علمی‌ترین و ساده‌ترین و آسان‌ترین خط موجود دنیاست و هیچ محتاج به اصلاح اساسی نیست که با ساختن سی چهل تکه حروف می‌شود هر کتابی را چاپ کرد و فقط باید اساس علمی اویش را مراعات کرد و دست از تقاضی و تصرفات بعد برداشت» (استادی، ۱۳۹۴ش: ۶۹۳).

۲ - ۲ - ۲. شمس‌الدین رشدیه

شمس‌الدین رشدیه نیز سابقه تحصیل علوم حوزوی در کارنامه خود دارد و بنیانگذار دبستان به روش جدید در ایران است. وی در سال ۱۳۲۴، دفترچه‌ای به نام موضوع تغییر خط اسلامی نوشته و در آغاز آن درباره کسانی که برای تغییر الفبا کوشیده‌اند، داوری‌هایی کرده و بدگمانی‌هایی نموده است

و در جایی عقیده خود را درباره اصلاح خط چنین می نویسد: «تصدیق می شود که الفبای ما بی معایب و اشکالات نیست و همین اشکالات، باعث واماندگی پنجاه درصد بیسوادان از تحصیل سواد است؛ ولی رفع این اشکالات محال نیست؛ که ایجاب تغییر اساس آن را نماید».

او عقیده دارد بیشتر دشواری فرا گرفتن الفبا برای نوآموzan در روش آموزش آن است نه خود الفبا و می نویسد: «تدریس الفبا و تعهد اولین سال تحصیل کودک را امر عادی تشخیص داده ایم، در صورتی که ملل متوجه به انجام این قسمت توجه خاصی دارند و آموزگار سال یکم را قیمت بیشتری می گذارند» (استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۲۵۶).

۳. سیر تاریخی واکنش علمای حوزه علمیه قم به مسئله تغییر خط

از زمان تأسیس حوزه علمیه قم به سال ۱۳۰۱ شمسی توسط شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۱۵ق) تا سال ۱۳۳۸ شمسی - که سال اوج دعوای تغییر خط در ایران میان موافقان و مخالفان است و به انتشار حداقل هشتاد نوشه درباره مشکلات خط فارسی منجر شد - ، اطلاعاتی از واکنش علمای حوزه علمیه قم یافت نشد؛ اما پس از آن، مواردی قابل گزارش است.

۳ - ۱. واکنش آیة الله بروجردی به مسئله تغییر خط

برای این سال جنجالی مناقشات درخصوص اصلاح و تغییر خط، یعنی سال ۱۳۳۸ ش، جمله ای منصوب به آیة الله بروجردی در نوشهای مختلف، البته بدون ذکر منبع، ذکر شده است که ایشان فرموده اند: «هدف اینان از تغییر خط، دور کردن جامعه ما از فرهنگ اسلامی است. من تا زنده ام، اجازه نمی دهم این کار را عملی کنم؛ به هر جا که می خواهد منتهی شود» (برای نمون، ر.ک: فاضل لنکرانی، ب ۱۳۷۰ ش: ۱۳۷).

پیگیری فراوانی صورت گرفت؛ اما منبعی برای این گفته، شناخته نشد. حتی از نوء دختری آیة الله بروجردی، یعنی آیة الله سید جواد علوی طباطبائی، پرسیده شد؛ اما ایشان نیز با ذکر همان مطلب بالا، فرمودند که منبع و مرجعی برای آن نمی دانند.

تنها منبعی که یافت شد و به ذکر این مطلب اشاره دارد، یکی از اسناد ساواک به تاریخ ۱۸ آبان ۳۸ است که مأمور ساواک گزارشی را از قول حجه الاسلام فلسفی نقل کرده است که در آن درباره همین موضوع، سخنی ذکر شده است: «محمد تقی فلسفی واعظ معروف می گفت: چون کلیه کتب و آثار دینی از صدر اسلام تا کنون با خط عربی و فارسی فعلی نوشته شده چنانچه

بخواهند تغییر خط را در ایران عملی سازند با مخالفت شدید مراجع مذهبی روبه رو خواهند شد. فلسفی گفته موضوع تغییر احتمالی خط به اطلاع آیة الله بروجردی نیز رسیده و ایشان هرگز حاضر نیستند در حوزه‌های علمیه خط لاتین جانشین خط فارسی که تشابه کامل به خط عربی دارد گردد و در موقع خود روحانیون اقدامات شدید و مؤثری علیه نهضت جدید تغییر خط شروع خواهند نمود» (ر.ک: فلسفی، ۱۳۷۶ ش: بخش اسناد).

احتمالاً پس از این اعلام نظر ضمنی آیة الله بروجردی به مسئله تغییر خط، برخی از فضای حوزه علمیه قم، در صدد نگارش مقالاتی پیرامون مخالفت با موضوع تغییر خط فارسی برآمدند و این مقالات را در تنها نشریه حوزه علمیه قم، یعنی درس‌هایی از مکتب اسلام، منتشر کردند.

۳ - ۲. واکنش نویسنده‌گان نشریه حوزه علمیه قم

در دهه ۱۳۳۰ گروهی از طلاب حوزه علمیه قم به پیشنهاد و زیر نظر آیة الله سید کاظم شریعتمداری، اقدام به تأسیس مجله مکتب اسلام کردند. سید مرتضی جزایری در کنار ناصر مکارم شیرازی، امام موسی صدر، علی دوانی، مجdal الدین شیرازی، آیة الله عبدالکریم موسوی اردبیلی و محمد جعفر سبحانی، مؤسسان این مجله بودند.

نخستین شماره مجله مکتب اسلام، به عنوان ارگان حوزه علمیه قم - که بازگو کننده افکار و اندیشه‌های مراجع وقت بالاخص در نخستین سال‌های تأسیس و بیانگر اندیشه‌های اصلاحی و تبلیغی مرحوم آیة الله العظمی آقای بروجردی بود - در آبان ماه ۱۳۳۷ منتشر شد (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۱ ش: ۳ - ۵).

۳ - ۲ - ۱. موضع «مکتب اسلام» درباره اصلاح و تغییر خط

به نظر می‌رسد حتی بدون مطالعه و مراجعته به متن مطالب مقالات موجود در نشریه مکتب اسلام، از تیترها و عنوانین مقالات، می‌توان موضع این نشریه را در سوئیت طراحان تغییر خط مشاهد کرد. برخی از آن تیترها عبارت‌اند از: «نمجه‌های استعمار!...»؛ «نقشه‌های استعمار»؛ «توطئه تغییر خط!»؛ «خواب‌های پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند»؛ «این نوسازی نیست ویرانگری است».

از این دست عنوانین مقالات می‌توان نتیجه گرفت، هر چند که ممکن است خط یا تغییر خط، به خودی خود هدف نباشد، اماً مجله مکتب اسلام، آن را مقدمه‌ای برای رسیدن به اهداف دیگری که مقابله و محو اسلام از سطح جامعه بود، می‌انگاشتند.

۳ - ۲ - ۲. مقالات تغییر خط در مکتب اسلام

درخصوص مخالفت مجله مکتب اسلام با بحث تغییر خط فارسی، پانزده مطلب نگاشته شد که هم‌زمان با اوج مباحث تغییر خط در سال ۱۳۳۸ آغاز می‌شود و تا پیروزی انقلاب اسلامی، ادامه می‌باید. این مقالات به ترتیب تاریخی عبارتند از:

بی‌نام (۱۳۳۸ش)، «در اجتماع چه می‌گذرد؟ نغمه‌های استعمار!...»؛

شمშیری میلانی، محمدعلی (۱۳۳۹ش)، «باز هم در پیرامون تغییر خط»؛

بی‌نام (۱۳۴۴ش)، «باز هم مسئله تغییر خط»؛

خسروشاهی، سید هادی (۱۳۴۴ش)، «توطنۀ تغییر خط!»؛

فرهوشی، بهرام (۱۳۴۸ش)، «درباره خط فارسی»؛

فرامرزی، عبدالرحمن (۱۳۴۹ش)، «درباره زبان و خط فارسی»؛

بی‌نام (۱۳۵۰ش)، «از پوست پلنگ تا تغییر خط فارسی؛ در دنیای افراط و تفريط»؛

آزادمنش، مرتضی (۱۳۵۱ش)، «این نوسازی نیست ویرانگری است؛ زمزمه‌ای که هر چند

وقت یکبار به عالم نامعلومی اوج می‌گیرد»؛

الهامی، داود (۱۳۵۱ش)، «چرا ایرانیان خط عربی را به جای خط پهلوی برگزیدند»؛

ارشک، محمد (۱۳۵۱ش)، «الفبای فارسی تقصیر ندارد؛ مسئول عقب‌ماندگی دانشجویان و

دانش‌آموزان عوامل دیگری است»؛

الهامی، داود (۱۳۵۱ش)، «هشدار به پاسداران فرهنگ کهن ایران»؛

الهامی، داود (۱۳۵۱ش)، «خواب‌های پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند؛ بهوش باشیم

آزمایش‌های تلح دیگران را تکرار نکنیم»؛

الهامی، داود (۱۳۵۱ش)، «اشکالات خط لاتین به مراتب از خط فارسی بیشتر است»؛

سرافراز، حسین (۱۳۵۵ش)، «بریدگی فرهنگی در ترکیه مولود تغییر خط»؛

قریانی، زین العابدین (۱۳۵۷ش)، «نقشه‌های استعمار برای از بین بدن وحدت و عظمت اسلام».

۳ - ۲ - ۳. نویسندهای مقالات علیه تغییر خط، در «مکتب اسلام»

نویسندهای مقالات مخالف تغییر خط در مکتب اسلام، به ترتیب بیشترین تعداد مقاله،

عبارة اند از:

۱. حجۃ الاسلام داود الہامی

از وی چهار مقاله پیرامون «مخالفت با تغییر خط فارسی» در مکتب اسلام به چاپ رسیده است:

- «چرا ایرانیان خط عربی را به جای خط پهلوی برگزیدند؟»;

- «هشدار به پاسداران فرهنگ کهن ایران»؛

- «خواب‌های پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند»؛

- «اشکالات خط لاتین به مراتب از خط فارسی بیشتر است».

الہامی در سال ۱۳۱۶ ش (۱۳۵۶ق) در آذربایجان تبریز به دنیا آمد. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۵ ش، به تحصیل علوم دینی روی آورد و در مدرسه طالبیه تبریز، مقدمات و ادبیات را فرا گرفت و در سال ۱۳۳۸ ش، به حوزه علمیه قم آمد و سطوح عالیه را در محضر حضرات آیات: مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، احمد پایانی، سید جواد خطیبی و سید محمد باقر سلطانی فرا گرفت؛ و پس از آن به درس خارج فقه مراجع تقليد وقت حاضر شد.

هم‌زمان، دروس جنبی را از محضر استاد بزرگوار حضرات آیات: شهید مطهری، ملکی میانجی، سید مرتضی شبستری، جعفر سبحانی، مکارم شیرازی، سید موسی شبیری زنجانی، شیخ محمدجواد مغنیه و صدر بالاغی، بسیار استفاده کرد و مقالات متعددی به رشتۀ تحریر درآورد و به جمع اعضای هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام پیوست و پس از آن در تألیف تفسیر نمونه با آیة الله مکارم شیرازی همکاری نمود.

از آن پس، به تألیف و تدریس و تحقیق و تبلیغ دین پرداخت و ده‌ها کتاب و مقاله در زمینه تاریخ و کلام و عقاید از خود به یادگار نهاد. وی سال‌ها در مجله مکتب اسلام و مجله تخصصی کلام اسلام، مؤسسه امام صادق (ع)، گروه تخصصی کلام حوزه علمیه قم و مؤسسه دفاع از حریم تشیع، سمت مدیریت و مسئولیت بر عهده داشت؛ و در دفاع از حریم اهل بیت (ع) سری پر شور داشت (انصاری قمی، ۱۳۸۰ ش: ۱۲۷).

۲. بدون نام مؤلف

سه مقاله بدون نام، درباره موضوع مخالفت با تغییر خط در مکتب اسلام منتشر شده است که احتمالاً با توجه به برخی خاطرات و اسناد، این مقالات از نویسنده‌گان اصلی هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام بوده است؛ زیرا برای نمونه استاد دوانی نوشته است: «استاد مطهری پرسید:

راسی مقاله «داستان ماه» را چه کسی می‌نویسد؟ گفتم: من می‌نویسم. گفت: چرا نام نویسنده ندارد؟ گفتم: هیئت تحریریه، یک مقاله را با اسم چاپ می‌کند و اگر همان نویسنده، مقاله دیگری داشته باشد، بدون اسم است؛ مبادا تکرار اسم، نشانه کمبود نویسنده باشد و اصولاً از نظر فنی هم درست نیست» (ر.ک: دوانی، ۱۳۹۰ ش: ۱۴۳).

۳. حجۃ الاسلام سید هادی خسروشاهی

از او یک مقاله درخصوص «مخالفت با تغییر خط فارسی» در مکتب اسلام به چاپ رسیده است با عنوان: «توطنه تغییر خط!». همچنین ایشان چندین مقاله در همین خصوص در نشریات دیگری چون مجموعه حکمت دارند:

- «توطنه تغییر خط در ایران: سابقه فکر تغییر خط در ایران»، مجموعه حکمت، دی ۱۳۳۸ شماره ۴۹.

- «قابل توجه مقامات مستول اسلامی: توطنه تغییر خط در ایران از نقشه‌های شوم دشمنان اسلام است»، مجموعه حکمت، آذر ۱۳۳۸، شماره ۴۵.

حسروشاهی، زاده ۱۳۱۷ ش در تبریز و از نویسندان شیعی ایران است که سابقه فعالیت سیاسی در دهه پنجاه را نیز دارد. از مهم‌ترین تأییف‌های اوی ترجمه کتاب امام علی صوت العدالة الانسانیة است که در سال ۱۳۴۴ منتشر گردید. تدوین و تحقیق و نشر مجموعه آثار سید جمال الدین حسینی، مجموعه حرکت‌های اسلامی معاصر و مجموعه آثار استاد علامه طباطبائی در ۱۶ جلد از دیگر آثار اوی است (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۹ ش: ۹).

۴. حجۃ الاسلام محمدعلی شمشیری میلانی

اگر از مقالات بی‌نام صرف نظر کنیم، اویین مقاله درباره «مخالفت با تغییر خط فارسی» در مجله مکتب اسلام، از ایشان به چاپ رسیده است. اوی مؤلف دو کتاب: با انقلاب و حکومت دادگستر جهانی و خطبه حضرت فاطمه علیها السلام، اصلیل و جاودانه است (ر.ک: استادی، خ ۱۳۹۴ ش: ۳۳).

۵. حجۃ الاسلام زین‌العابدین قربانی

از اوی مقاله‌ای در مجله مکتب اسلام به چاپ رسیده است که بخش‌هایی از آن، درباره «مخالفت با تغییر خط فارسی» است. زین‌العابدین قربانی در سال ۱۳۱۲ شمسی در یک خانواده مذهبی و کشاورز در روستای پنجاه لاهیجان، دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۲۷ برای تحصیل

علوم دینی و حوزوی به لاهیجان عزیمت کرد و در سال ۱۳۲۹ به حوزه علمیه قم مهاجرت نمود. پس از فراغت از دروس مقدماتی و سطح از محضر استاد بزرگ استفاده کرد. از استادان زین العابدین قربانی می‌توان به امام موسی صدر و مشکینی و آیة الله سلطانی، آیة الله آقا رضا صدر و درس خارج فقه و اصول را از آیة الله العظمی بروجردی و امام خمینی به مدت ده سال و فلسفه و تفسیر را از استاد علامه طباطبائی به مدت هشت سال فراگرفت (همانجا).

۶ و ۷. مرتضی آزادمنش و محمد ارشک

هر کدام یک مقاله. این افراد شناخته نشدنده؛ احتمالاً این نام‌ها، اسم مستعار باشند.

۸. نویسندهای مقالات مکرر

مقالاتی در موضوع مخالفت با تغییر خط از جراید دیگر نیز در مجله مکتب اسلام منعکس شده که نویسندهای آنها عبارت‌اند از: حسین سرفراز (یک مقاله)؛ عبدالرحمن فرامرزی^۱ (یک مقاله)؛ دکتر فرهوشی (یک مقاله).

۴. معرفی آراء فقهی علمای معاصر در مسئله خط عربی و تغییر خط

برای اطلاع از آراء فقهی مراجع تقليد معاصر درباره خط و تغییر خط، چند استفتا از برخی مراجع معظم تقليد ایران پرسیده شد (برای اطلاع از شرح حال ایشان ر.ک: مقدم، ۱۳۸۷ ش: سراسرمن) که عبارت‌اند از:

۱. آیا خط عربی، مقدس است؟ و اگر هست، شامل فقط خط کوفی ابتدایی می‌شود یا همه خطوط عربی، از صدر اسلام تا کنون را شامل می‌شود؟

برخی از آیات عظام، همانند: مظاہری، محمود هاشمی‌شاھروdi، مکارم شیرازی، علوی طباطبائی، علوی گرانی، باشد و ضعف‌هایی معتقدند که خط عربی قداست خاصی ندارد؛ هر چند برخی از ایشان اضافه نموده‌اند که با توجه به این که خط قرآن و احادیث است، بی‌احترامی نیز به آن نشود، اولی است.

۱. عبدالرحمن فرامرزی، دو نفرند: یکی مسئول ستون «سیری در مطبوعات» مجله مکتب اسلام که شناخته نشد؛ دیگری نویسنده معاصر و استاد دانشگاه، چند دوره وکیل مجلس شورای ملی، وکیل پایه یک دادگستری و مدیر روزنامه کیهان که در سال ۱۳۵۱ هجری قمری در تهران درگذشت. او وی این مقاله یافت شد: «نظری درباره تغییر خط فارسی»، تحقیقات روزنامه‌نگاری، دوره ۱، ش ۲ / تهران / ۱۳۴۵ (ر.ک: استادی، ۱۳۹۴ ش: ۱۴۷).



برخی نیز همانند: محمدعلی گرامی، نوشه‌اند که: «اگر زبان عربی به‌خاطر پیامبر اکرم و قرآن قداست دارد، خط عربی هم این طور است؛ و میزان قداست، به مقدار نزدیک بودن به خط و رسم الخط امامان می‌باشد».

در این میان، برخی نیز همانند: آیة الله محفوظی، خط و زبان عربی فصیح را - که زبان و لغت قرآن و وحی است -، مقدس‌ترین و افضل تمام لغات و السننه دانسته‌اند (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ ش: ۱۱۴).

۲. آیا خط عربی، خط اسلام است؟ و یا تنها زبان عربی، زبان اسلام است و نوع نوشتن و

نوع خط، ارتباطی به اسلام ندارد؟

برخی از آیات عظام، همانند: مظاہری و علوی گرگانی معتقد‌اند که: «زبان عربی، زبان اسلام است». همچنین، آیة الله محفوظی نوشه‌اند: «خط و زبان عربی فصیح، زبان و لغت قرآن و وحی است و در روایت دارد که زبان اهل بهشت هم عربی است».

برخی همانند محمود هاشمی شاهروdi با تأکید بیشتر، نوشه‌اند که: «خط، ربطی به اسلام ندارد» و بعضی همانند آیة الله علوی طباطبائی برای آن تفصیل بیشتری داده‌اند: «در زمان طلوع اسلام، رسم الخط معمول خط عربی بوده است که این خط با تغییراتی که در آن ایجاد شد و بر اساس نیاز هم بوده است، به خط عربی معمول روز تبدیل شده است؛ ولی اسلام وراء این خط و سایر خطوط و در مقام بالاتری است. بله در حال حاضر خط عربی، خط معمول رایج برای مراجعه به متون اسلامی است؛ ولی نمی‌توان گفت که این خط، خط اسلام است».

از سوی دیگر، آیة الله گرامی معتقد است که: «خط از زبان جدا نیست. حکم لفظ بر کتابت جاری است. به نظر حقیر در فقه هم همین طور است. عقد کتابتی مثل عقد لفظی است» (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ ش: ۱۱۶).

۳. آیا مسلمانان، موظف‌اند که خط عربی را حفظ و پاسداری نمایند؟ و اگر موظف‌اند، باید کدام نوع از انواع و اشکال خطوط عربی را مراقبت و محافظت نمایند؟

همه این مراجع عظام، معتقد‌اند که باید قرآن و روایات اهل بیت ﷺ پاسداری شوند و حفظ خط عربی اگر راه منحصر حفظ قرآن و روایات باشد، واجب می‌شود. یعنی آنچه حفظ نصوص قرآن و متون روایی متوقف بر آن باشد، از باب مقدمه واجب نیز واجب است.

به عبارت دیگر، آنچه مسلمانان وظیفه دارند، حفظ میراث اسلامی است و این میراث در حال حاضر به خط عربی است و دسترسی به آن از طریق این خط صورت می‌گیرد و تفاوت نمی‌کند که به چه نوع و چه شکل باشد. خط نیز مانند سایر مقولات در هر زبانی در مسیر تکامل پیش می‌رود و نیاز به فراگیری و قرائت و به کارگیری بهتر و وسیع‌تر آن در طول زمان نیاز به تغییرات را ایجاد می‌کند؛ ولی مهم در این باب، حفظ پیوند نسل‌ها با میراث اسلامی است و اگر این پیوند جز ب خط عربی ممکن نشود، طبعاً باید برای حفظ این میراث حفظ شود (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ش: ۱۱۸).

۴. اگر خط عربی کنونی، دارای اشکالات فنی و کاربردی باشد، آیا تعمیر و تصحیح و یا تغییر شکل خط عربی در زمان حاضر مجاز است؟

برخی از علماء، همانند هاشمی شاهروdi، مکارم شیرازی، گرامی و علوی گرجانی، معتقدند که تعمیر و تصحیح و یا تغییر شکل خط عربی، فی نفسه، جایز است و منعی ندارد. برخی نیز همانند آیة الله مظاہری فرموده‌اند که اگر منافات با قرآن و روایات اهل بیت پیدا نمی‌کند مجاز است؛ ولی باید بداینیم قرآن عربی مبین است و اشکال فنی و کاربردی قطعاً ندارد. در این میان، آیة الله علوی طباطبائی، نوشتۀ است: «به طور قطع رسم الخط موجود دارای اشکالات زیادی است و تلاش برای رفع این اشکالات به خصوص در رسم الخط قرآن‌های طبع جدید در بسیاری از کشورها مشهود است. هیچ تعبدی در عدم تغییر و تعمیر و تصحیح وجود ندارد، و لذا هیچ منعی برای تکامل این خط در جهت اصلاح وجود ندارد» (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ش: ۱۲۰).

۵. اگر ترویج و تحکیم مبانی و مسائل اسلامی، توسط نگارش با خطی غیر عربی یا جدید الاحادیث، راحت‌تر و بهتر و بیشتر، صورت پذیرد، آیا ایجاد و یا به کارگیری این خط مجاز است؟ آیت الله علوی گرجانی در پاسخ نوشتۀ‌اند: «هر خطی که بتواند مبانی دینی را راحت‌تر و بهتر در اختیار مشتاقان قرار دهد، به کارگیری آن خط مورد تأیید است».

برخی از آیات عظام همانند آیة الله سید محمود هاشمی شاهروdi، مکارم شیرازی، گرامی، علوی طباطبائی نیز معتقدند که: «فی نفسه، جایز است؛ ولیکن نبایستی موجب قطع رابطه فرهنگی امت اسلامی با میراث فکری و اسلامی شود».

همچنین، آیة الله مظاہری افزوده‌اند که: «اگر منافاتی با قرآن و روایات پیدا می‌شود، قطعاً جائز نیست و قطعاً کار غلط و اشتباه است» (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ ش: ۱۲۲).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برخی از اندیشمندان و ادیبان، به معایب و مشکلات خطا فارسی پرداخته‌اند. افراد متعددی نیز به صورت اشاره و موردی، به مسئله اصلاح الفبا و تغییر خط در دو قرن اخیر پرداخته‌اند؛ البته برخی از آنان در این راه، هزینه و وقت قبل توجهی صرف کرده‌اند.

در این میان، علمای شیعی و روحانیان حوزوی نیز در مسئله تغییر خط ورود پیدا کرده‌اند. واکنش علماء اندیشمندان دینی ایران درباره مسئله تغییر خط را می‌توان از جنبه‌های مختلفی در نظر گرفت. برای نمونه، از جهت مخالف ابتداء به ساکن، یا طرح و تأیید تغییر و اصلاح خط و یا به صورت اعلام نظر پس از استفتا پیرامون موضوع تغییر خط.

از زمان تأسیس حوزه علمیه قم به سال ۱۳۰۱ شمسی تا سال ۱۳۳۸ شمسی - که سال اوج دعوای تغییر خط میان موافقان و مخالفان در ایران است -، اطلاعاتی از واکنش علمای حوزه علمیه قم یافت نمی‌شود؛ اما پس از اعلام نظر ضمنی آیة الله بروجردی به مسئله تغییر خط، برخی از فضلای حوزه علمیه قم، در صدد نگارش مقالاتی پیرامون مخالفت با تغییر خط فارسی برآمدند و این مقالات را در تنها نشریه حوزه علمیه قم، یعنی مکتب اسلام، منتشر کردند. البته پس از پیروزی انقلاب، به دلیل گسترش موضوعات اسلامی و وجهه دینی حکومت ایران و گرایش‌های مذهبی مقامات دولتی، موضوع تغییر خط به کلی از تب و تاب افتاد.

در جمع‌بندی واکنش علمای مذهبی و نویسنده‌گان حوزه علمیه قم درباره مسئله خط و همچنین با توجه به برخی از فتاوی از مراجع تقلید معاصر، می‌توان گفت که: علمای اسلامی، مادامی که اصلاح الفبا و تغییر خط، خدشه‌ای به معارف اسلامی و ترویج مذهب وارد نکنند، نسبت به این تغییرات و اصلاحات، نظر مخالفی ندارند.

کتابنامه

۱. ارشک، محمد (آذر ۱۳۵۱ش)، «الفبای فارسی تقصیر ندارد؛ مسئول عقب ماندگی دانشجویان و دانش آموزان عوامل دیگری است»، مکتب اسلام، سال سیزدهم، شماره ۱۱.
۲. آرین پور، یحیی (۱۳۸۷ش)، از نیما تا روزگار ما، تهران: زوار.
۳. آزادمنش، مرتضی (خرداد ۱۳۵۱ش)، «این نوسازی نیست ویرانگری است؛ زمزمه‌ای که هر چند وقت یکبار بعلل نامعلومی اوج می‌گیرد»، مکتب اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵.
۴. استادی، کاظم (بهار ۱۳۹۱ش)، «روزنامه اختر و تغییر خط فارسی»، بهارستان، سال چهارم، شماره ۱۶، صفحه ۳۰ - ۷۱.
۵. ____ (بهار ۱۳۹۱ش)، «گاهشمار شمسی تغییر خط»، بهارستان، سال چهارم، شماره ۱۵، صفحه ۱۳۰ - ۱۴۹.
۶. ____ (بهار ۱۳۹۱ش)، «میرزا ملکم خان و کتاب خطوط آدمیت»، بهارستان، سال چهارم، شماره ۱۵، صفحه ۵۹۲ - ۶۱۲.
۷. ____ (الف ۱۳۹۴ش)، آخوندزاده و تغییر خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۸. ____ (ب ۱۳۹۴ش)، تاریخچه تغییر خط، قم: نشر مؤلف.
۹. ____ (پ ۱۳۹۴ش)، حکم فقهی تغییر خط، قم: نشر مؤلف.
۱۰. ____ (ت ۱۳۹۴ش)، سیر تحول خط عمومی فارسی در ایران، قم: نشر مؤلف.
۱۱. ____ (ث ۱۳۹۴ش)، فعالان اصلاح و تغییر خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۱۲. ____ (ج ۱۳۹۴ش)، کتابشناسی خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۱۳. ____ (چ ۱۳۹۴ش)، مجموعه مقالات پیرامون تغییر خط، قم: نشر مؤلف.
۱۴. ____ (ح ۱۳۹۴ش)، ملکم خان و تغییر خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۱۵. ____ (خ ۱۳۹۴ش)، درس‌هایی از مکتب اسلام و تغییر خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۱۶. الهامی، داود (اردیبهشت ۱۳۵۱ش)، «اشکالات خط لاتین بمراتب از خط فارسی بیشتر است»، مکتب اسلام، سال چهاردهم، شماره ۴.
۱۷. الهامی، داود (مهر ۱۳۵۱ش)، «چرا ایرانیان خط عربی را بجای خط پهلوی برگزیدند»، مکتب اسلام، سال سیزدهم، شماره ۹.



۱۸. الهامی، داود (اسفند ۱۳۵۱ش)، «خواهای پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند؛ بهوش باشیم آزمایشهای تلخ دیگران را تکرار نکنیم»، مکتب اسلام، سال چهاردهم، شماره ۲.
۱۹. الهامی، داود (دی ۱۳۵۱ش)، «هشدار به پاسداران فرهنگ کهن ایران»، مکتب اسلام، س ۱۳، شماره ۱۲.
۲۰. انصاری قمی، ناصرالدین (فروردین ۱۳۸۰ش)، «درگذشتگان (حجۃ الاسلام داود الهامی)»، آینه پژوهش، شماره ۶۷، صفحه ۱۲۷ - ۱۳۴.
۲۱. بی‌نام (۱۲۷۸ق)، سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه، نسخه خطی، تهران: کتابخانه سپهسالار.
۲۲. بی‌نام (دی ۱۳۳۸ش)، «در اجتماع چه می‌گذرد؟ نغمه‌های استعمار!...»، مکتب اسلام، سال دوم، شماره ۱.
۲۳. بی‌نام (دی ۱۳۴۴ش)، «باز هم مسئله تغییر خط»، مکتب اسلام، سال هفتم، شماره ۳.
۲۴. بی‌نام (دی ۱۳۵۰ش)، «از پوست پلنگ تا تغییر خط فارسی؛ در دنیای افراط و تفریط»، مکتب اسلام، سال دوازدهم، شماره ۱۲.
۲۵. تویسرکانی، قاسم (۱۳۵۰ش)، زبان تازی در میان ایرانیان (پس از اسلام تا انتهای خلافت عباسیان)، تهران: دانشسرای عالی.
۲۶. جعفریان، رسول (۱۳۹۹ش)، هادی‌نامه (ارج‌نامه استاد سید هادی خسروشاهی)، قم: مورخ.
۲۷. خسروشاهی، سید هادی (بهمن ۱۳۴۴ش)، «توطئه تغییر خط!»، مکتب اسلام، سال هفتم، شماره ۴.
۲۸. دوانی، علی (۱۳۹۰ش)، خاطرات من از استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۲۹. ذکاء، یحیی (۱۳۲۹ش)، در پیرامون تغییر خط فارسی، تهران: چاپخانه نقش جهان.
۳۰. سبحانی تبریزی، جعفر (اسفند ۱۳۷۱ش)، «مجله مکتب اسلام، مسلحی روشن در فضایی تاریک»، مکتب اسلام، شماره ۱۲.
۳۱. سرافراز، حسین (خرداد ۱۳۵۵ش)، «بریدگی فرهنگی در ترکیه مولود تغییر خط»، مکتب اسلام، سال هفدهم، شماره ۶.

۳۲. شمشیری میلانی، محمد علی (مرداد ۱۳۳۹ش)، «باز هم در پیرامون تغییر خط»، مکتب اسلام، سال دوم، شماره ۷.

۳۳. عابدی، طالب (۱۳۷۷ش) تأثیر استانبول بر حرکت‌های دولتمردان و آزادیخواهان ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

۳۴. فاضل لنکرانی، محمد (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰ش)، «مصاحبه با آیة الله محمد فاضل لنکرانی پیرامون نقش آیة الله بروجردی را در شکوفایی حوزه»، مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، صفحه ۱۳۷.

۳۵. فرامرزی، عبدالرحمن (آذر ۱۳۴۹ش)، «درباره زبان و خط فارسی»، مکتب اسلام، سال یازدهم، شماره ۱۲.

۳۶. فرهوشی، بهرام (مهر ۱۳۴۸ش)، «درباره خط فارسی»، مکتب اسلام، سال دهم، شماره ۱۰.

۳۷. فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۶ش)، زندگی و خاطرات سیاسی فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۳۸. قربانی، زین العابدین (اسفند ۱۳۵۷ش)، «نقشه‌های استعمار برای از بین بردن وحدت و عظمت اسلام»، مکتب اسلام، سال هجدهم، شماره ۱۲.

۳۹. متینی، جلال (۱۳۷۱ش)، هدایة المتعلمين فی الطب، مشهد: دانشگاه فردوسی.

۴۰. مقدم، کاظم (۱۳۸۷)، آشنایی با مراجع تقليد، قم: برگزیده.

۴۱. _____. (۱۳۲۰)، روزنامه ادب، شماره ۳۷.

۴۲. _____. (۱۳۲۰)، روزنامه تربیت، شماره ۲۵۸.

۴۳. _____. (۱۹۲۳ و ۱۹۲۲)، روزنامه کارگر باکو، شماره‌های ۱۶۱، ۲۴۰ و ۲۴۶.

